

بسم الله الرحمن الرحيم

## اخلاص شرط لقاء پروردگار

فُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَخْدًا

بغو: «من فقط بشري هستم مثل شما؛ (امتياز اين است که) به من وحی می شود که تنها معبدتان معبد یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش اميد دارد، باید کاري شايسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شريک نکند! (کهف/ ۱۱۰)

### انس با قرآن

۱- شبی ده آیه: حضرت باقر عليه السلام فرمود: که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود».

۲- نوری تا خانه خدا: پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس آیه آخر سوره کهف را (هنگام خواب) بخواند، در بستر خواب او نوری به طرف خانه کعبه، تابش می کند که تا مسجد الحرام پرتو افکند و در تابش آن فرشتگانی باشند که برای او تا بامدادان طلب آمرزش کنند».

۳- بیداری از خواب: امام صادق عليه السلام فرمود: «هیچ کس نیست از بندگان خدا که آیه آخر سوره کهف هنگام خواب تلاوت کند مگر این که هر ساعتی از شب که بخواهد از خواب برخیزد».

### واژگان

لقاء: (آقی) دیدار      یوْحَى: وحی می گردد      یَرْجُوا (رجو) اميد دارد

### آیه‌ای جامع

در این آیه هم توحید، «إِلَهٌ وَاحِدٌ» هم نبوت، «يُوحَى إِلَيَّ» و هم معاد، «لقاء رَبِّهِ» هم اميد به رحمت الهی، «يَرْجُوا» هم تلاش در رسیدن به آن، «فَلْيَعْمَلْ» و هم اخلاص در عمل «لا يُشْرِكْ» آمده است. شاید به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر از قرآن غیر از آیه آخر سوره کهف بر من نازل نشده بود همان یک آیه برای امت من کافی بود».

پس اگر خواهان لقاء حقیقی هستیم، باید عمل ما هم عمل صالح حقیقی باشد.

«ونباید کسی را در عبادت پروردگارش شریک سازد» (وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَخْدًا).

اخلاص آن است که نیت انسان از هر گونه شائبه غیر الهی پاک باشد یعنی در تمام برنامه‌ها تنها به پروردگار و رضای او اندیشیدن.

در شان نزول آیه فوق آمده است که شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: «من در راه خدا اتفاق می‌کنم و صله رحم بجا می‌آورم، و این اعمال را فقط به خاطر الله انجام می‌دهم، اما هنگامی که مردم از این اعمال من سخن می‌گویند و ستایش می‌کنند مسرو و خوشحال می‌شوم، این اعمال من چگونه است؟»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سکوت فرمود و سخنی نگفت، تا این که آیه فوق نازل شد و به این سؤال پاسخ داد.

بدون شک منظور از این روایت آن حالت سرور غیر اختیاری نیست، بلکه حالتی است که انگیزه عمل انسان گردد و یا حکایت از عدم خلوص نیت کند.

عمل خالص تا آن حد در اسلام مورد اهمیت است که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم:

«کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد، خداوند چشم‌های حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می‌گشاید».

باید به خدای تعالی از شرّ مکاید نفس پناه ببریم که مکاید آن خیلی دقیق است ولی به طور مبهم و خلاصه می‌دانیم که اعمال ما خالص نیست. اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما این قدر تصرف دارد؟ با آن که او با خدای خود عهد کرده است که به «عبد الله المخلصین» کار نداشته باشد و دست به ساحت قدس آنها دراز نکند.

### یادآوری:

- ۱- مطالب کامل این جزو در سایت سراج اندیشه ذیل همین درس بارگذاری شده و نشانی روایات و مطالب در آن آمده است.
- ۲- عنوان درس بعدی «شرک آفت عمل صالح - بخش اول ریا» می‌باشد.

اگر مراد از لقاء، همان لقاء عمومی باشد، هر کس که دست کم احتمال قوی بدهد که قیامتی هست، حواس خود را جمع می‌کند: اول باید بکوشد شرک نورزد و دوم عمل صالح انجام دهد و گناه نکند، اما این لقاء حقیقی (کامل) نیست. مراد از لقا الهی درک حضور خدا است. انسان با ورود در عالم آخرت حضور خدا را درک می‌کند ولی معلوم نیست که از آن لذت هم ببرد. همان که امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «خدایا! از هر لذتی که جز از راه انس با تو برم استغفار می‌کنم».

لقاء حقیقی و کامل آن است که هیچ فاصله‌ای بین محب و محبوب نماند؛ مانند عاشقی که پس از سال‌ها جدایی و نگرانی از این که آیا به وصل محبوب خود خواهد رسید یا نه، ناگهان خود را در آغوش او ببیند!

اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد باید خود را برای استقبال از آن آماده کند.

آن کس که ادعا می‌کند من انتظار چیزی دارم و اثرباری در عمل او نمایان نیست، در واقع مدعی دروغینی بیش نخواهد بود حال این انتظار در مرتبه‌ای بحث بهشت و دوری از دوزخ و در مرتبه‌ای درک لقاء پروردگار است.

#### دیگر نکات

۱- برای کار خدایی کردن، حتی امید به پاداش الهی کافی است گرچه یقین نباشد.

۲- امید در انسان باید به صورت یک حالت دائمی و پیوسته باشد، نه لحظه‌ای.

«فَمِنْ كَانَ يَرْجُوا ... فَلَيَعْمَلْ»

۳- امید بدون عمل، کارساز نیست. «يَرْجُوا ... فَلَيَعْمَلْ»

۴- مرگ برای همه حتمی است، اما ارزشمندتر آن است که انسان آرزوی ملاقات با خدا را داشته باشد. «يَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ»

#### اخلاص

راه رسیدن به این لقاء عمل صالح خالصانه به دور از شرک است. بسیاری از کسانی که گمان می‌کنند اعمال‌شان خالص است، خود را فریب می‌دهند. اگر انسان دقت کند پی می‌برد در صورتی که خیلی چیزها نبود فلان کار خیر را انجام نمی‌داد. حداقل دلش می‌خواهد دوستان و نزدیکانش بپسندند و از او تعریف کنند.

#### یکی از ما

می‌فرماید: «بگو: من فقط بشری همچون شما هستم». از این تعبیر دریافت می‌شود:

۱- نباید خود را بیش از آن‌چه هستیم معرفی کنیم. «أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ»

۲- رهبران الهی باید جلو غلو و مبالغه‌ها را بگیرند. «أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ»

۳- شرط نبوت، انسان بودن است تا پیامبر در عمل نیز الگوی دیگران باشد. «أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» اگر کسی مثل ما بود و شهوت و خوارگ داشت می‌تواند رهبر ما باشد. اگر یک موجودی باشد که مشکلات ما را نداشته باشد وقتی بگویید در مقابل شهوت، غصب و... خودتان را کنترل کنید، می‌گوییم خودت شهوت نداری که به ما توصیه می‌کنی، مثل فرد لالی که روی تخته سیاه بنویسد، غیبت نکنید.

#### توحید

سپس می‌گوید: «بر من وحی می‌شود که معبد شما فقط یکی است».

توحید، عصاره همه‌ی اعتقادات و همه‌ی برنامه‌های فردی و اجتماعی سعادت‌بخش انسان است. اگر هر یک از تعلیمات دین را به یکی از اعضاء پیکر انسان تشبيه کنیم باید بگوییم توحید روحی است که در مجموع این پیکر دمیده است.

هنگامی که خدا را با همه‌ی صفاتش بشناسیم می‌دانیم چنین خدایی باید پیامبرانی بفرستد، و نیز حکمت و عدالت او ایجاب می‌کند که دادگاه عدل و رستاخیزی وجود داشته باشد، مسائل اجتماعی و کل جامعه انسانی و هر چه در ارتباط با آن است باید پرتوی از توحید و وحدت باشد تا سامان یابد.

#### معاد و لقای پروردگار

سومین جمله این آیه اشاره به مساله رستاخیز می‌کند و می‌گوید: «بنا بر این هر کس امید لقاء پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد».

ملاقات با خدا دو جنبه دارد:

۱. ملاقاتی عمومی که کافر و مؤمن با ورود در عالم آخرت آن را درک خواهند کرد.

۲. ملاقاتی که با رؤیت الهی و حتی وصال همراه است.

بسیاری از مفسرین لقا را به قیامت تفسیر نموده‌اند اما برخی دیگر قائل به وجود مراتب هستند و مرتبه اول را قیامت و مرتبه بعد را لقاء حقیقی دانسته‌اند.